

نقد‌ها و بررسی‌ها



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی

موضوع:

۱. عقاید؛ شناخت خداوند (وجود، صفات و افعال)

۲. عقاید؛ شناخت آخرت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

نقد

نویسنده: مهدیه

تاریخ: ۱۳۹۵/۶/۱۰

در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» صفحه ۱۸۴ نوشته شده است که خداوند قادر است بواسطه‌ی مرده‌ای سود برساند همان طور که قادر است بواسطه‌ی زنده‌ای سود برساند. آیا در کتاب خداوند و یا اخبار متواتر نمونه‌ای از خیر رساندن مردگان هست؟

بررسی

تاریخ: ۱۳۹۵/۶/۱۳

در کتاب خداوند و احادیث متواتر، نمونه‌ای از سود رساندن مردگان نیامده، ولی آمده که خداوند بر هر کاری قادر است و با این وصف، «قادر است بواسطه‌ی مرده‌ای سود برساند، همان طور که قادر است بواسطه‌ی زنده‌ای سود برساند». توضیح آنکه در کتاب شریف «بازگشت به اسلام» -به تبع کتاب خداوند و احادیث متواتر- نیامده که مردگان سود می‌رسانند، بل آمده که خداوند قادر است بواسطه‌ی مرده‌ای سود برساند، همان طور که قادر است بواسطه‌ی زنده‌ای سود برساند و مراد از این سود رساندن، وساطت پیامبران و صالحان گذشته برای زندگان با اذن خداوند است؛ زیرا در جهان بینی توحیدی، خداوند بر هر کاری قادر است و هیچ خیری جز از جانب او نمی‌رسد و واسطه‌های خیر -خواه در دنیا باشند و خواه در آخرت- مقهور اراده‌ی او هستند و جز با اذن او وساطت نمی‌کنند؛ چنانکه فرموده است: ﴿مَنْ ذَا الَّذِي يَشْفَعُ عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ﴾^۱؛ «آن کیست که جز به اذن او در نزدش وساطت کند» و فرموده است: ﴿مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ﴾^۲؛ «هیچ وساطت کننده‌ای جز بعد از اذن او نیست» و با این وصف، سود رساندن پیامبران و صالحان گذشته به معنای دعا و استغفار آنان برای زندگان با اذن خداوند، ممکن است و امکان آن کافی است تا خواستن آن توسط زندگان شرک نباشد؛ زیرا شرک خواستن چیزی از غیر خداوند است که تنها برای خداوند امکان دارد، مانند آمرزش گناهان و

۱. البقرة / ۲۵۵

۲. یونس / ۳

شفای بیماران و برآورده ساختن حوائج از غیر مجاری طبیعی و با این وصف، اگر کسی به جای خداوند از پیامبران و صالحان گذشته بخواهد که گناه او را ببامرزند یا بیمار او را شفا دهند یا حاجت او را برآورده سازند، مشرک است؛ جز آنکه اگر خود را مسلمان بشمارد، منافق محسوب می‌شود؛ مگر آنکه از آنان بخواهد یا مقصودش این باشد که برای آمرزش گناه و شفای بیمار و برآورده شدن حاجت او، دعا و استغفار کنند؛ چراکه دعا و استغفار آنان پس از مرگشان مانند دعا و استغفار آنان پیش از مرگشان ممکن و سودمند است و از این رو، خواستن آن از آنان پس از مرگشان شرک محسوب نمی‌شود. آری، بنا بر نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی «شایسته نیست و ترک اولی شمرده می‌شود»^۱؛ زیرا اگرچه دعا و استغفار آنان پس از مرگشان ممکن و سودمند است، ولی خواستن آن از آنان در غیابشان وجهی ندارد؛ با توجه به اینکه آنان عالم به غیب نیستند و طبیعتاً از خوانده شدن در غیاب آگاهی ندارند؛ چراکه پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم نیز بشری مانند مردم است؛ چنانکه خداوند فرموده است: **﴿قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ﴾**^۲؛ «بگو من تنها بشری مانند شما هستم» و «تبعاً به اقتضای بشر بودنش، قادر به آگاهی از همه‌ی خواندن‌ها و پاسخ دادن به همه‌ی آن‌ها در آن واحد نیست و قدرت خداوند نیز بر قادر ساختن او به این کار تعلق نمی‌گیرد؛ چراکه این کار، به اقتضای محدودیت ذاتی قدرت بشر، محال است و قدرت خداوند بر محال تعلق نمی‌گیرد؛ به این معنا که متصور نیست خداوند بشری را خدا بسازد»^۳ و از اینجا دانسته می‌شود که «خواندن پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در غیبت او به جای خداوند یا در کنارش، بدون اعتقاد به اجابت او با اذن خداوند، شرک است و با اعتقاد به آن، ترک اولی شمرده می‌شود؛ چراکه در هر حال، اولی خواندن خداوند است»^۴.

آری، به نظر می‌رسد که خواندن گذشتگان در نزد قبورشان، خواندن آنان در غیابشان محسوب نمی‌شود؛ زیرا از یک سو جسم آنان در قبورشان حاضر است و چه بسا روحشان با آن تعلق و ارتباطی دارد و از سوی دیگر احادیث متواتری در دست است که نشان می‌دهد پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم اجساد مشرکان را پس از انداختنشان به چاه بدر مخاطب ساخته و فرموده است: **«يَا أَبَا جَهْلٍ بَنَ هِشَامٍ! يَا عُنْبَةَ بَنَ رَبِيعَةَ! يَا شَيْبَةَ بَنَ رَبِيعَةَ! يَا أُمِّيَةَ بَنَ حَلْفٍ! يَا أَهْلَ الْقَلْبِيبِ! هَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَكُمْ رَبُّكُمْ حَقًّا؟! فَإِنِّي وَجَدْتُ مَا وَعَدَنِي رَبِّي حَقًّا»**؛ «ای ابا جهل پسر هشام! ای عتبه پسر ربیعه! ای شیبه پسر ربیعه! ای امیه پسر خلف! ای اهل چاه! آیا چیزی که پروردگارتان به شما وعده داد را حق یافتید؟! هرآینه من چیزی که پروردگارم به من وعده

۱. بازگشت به اسلام، ص ۱۸۵

۲. الکهف/ ۱۱۰

۳. بازگشت به اسلام، ص ۱۸۸

۴. همان، همانجا

داد را حق یافتیم» و سپس خطاب به اصحابش که از این کار او تعجب کرده‌اند، فرموده است: «مَا أَنْتُمْ بِأَسْمَعَ لِمَا أَقُولُ مِنْهُمْ وَلَكِنَّهُمْ لَا يَسْتَطِيعُونَ أَنْ يُجِيبُوا»؛ «شما نسبت به چیزی که می‌گویم از آنان شنواتر نیستید، ولی آنان نمی‌توانند پاسخ دهند»^۱؛ همچنانکه بارها مؤمنان گذشته را در نزد قبورشان خوانده و به عنوان نمونه، فرموده است: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الدِّيَارِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُسْلِمِينَ وَإِنَّا إِنْ شَاءَ اللَّهُ بِكُمْ لِلْآحِقُونَ، أَنْتُمْ لَنَا فَرَطٌ وَنَحْنُ لَكُمْ تَبَعٌ فَتَسْأَلُ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ الْعَافِيَةَ»؛ «سلام بر شما ای اهل این خانه‌ها از مؤمنان و مسلمانان! ما ان شاء الله به شما ملحق می‌شویم! شما برای ما پیشاهنگ هستید و ما در پی شما روان هستیم، پس از خداوند برای خودمان و شما عافیت می‌طلبیم»^۲ و این منافی با سخن خداوند در قرآن نیست که فرموده است: «إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَى»^۳؛ «هرآینه تو مردگان را نمی‌شنوایی»؛ زیرا مراد از «شنواندن» در آن هدایت کردن است، نه رساندن صدا؛ چنانکه به دنبال آن فرموده است: «وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمِّيِّ عَنْ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ»^۴؛ «و تو هدایت کننده‌ی کوران از گمراهی‌شان نیستی! تو تنها کسانی را می‌شنوایی که به آیات ما ایمان می‌آورند پس آنان مسلمان هستند»، در حالی که قطعاً صدای آن حضرت تنها به گوش مؤمنان و مسلمانان نمی‌رسید، ولی تنها آنان بودند که با شنیدن آن هدایت می‌یافتند. از این رو، علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی خواندن پیامبران و صالحان گذشته در نزد قبورشان برای دعا و استغفار را اجازه داده است؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«نَهَى الْمَنْصُورُ عَنْ مُحَاظَبَةِ الْأَمْوَاتِ إِلَّا عِنْدَ قُبُورِهِمْ وَقَالَ: إِنَّهُمْ يَسْمَعُونَ أَصْوَاتَ الرَّائِرِينَ»^۵؛ «منصور از مخاطب ساختن مردگان جز در نزد قبورشان نهی کرد و فرمود: آنان صداهای زائران را می‌شنوند».

۱. برای این مضمون، بنگرید به: سنن سعید بن منصور، ج ۲، ص ۳۱۴؛ مسند أبي داود الطيالسي، ص ۹؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۵، ص ۳۵۲؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۸، ص ۴۷۹؛ مسند إسحاق بن راهويه، ج ۲، ص ۵۷۳؛ مسند أحمد، ج ۳، ص ۱۰۴؛ المنتخب من مسند عبد بن حميد، ص ۲۴۵؛ صحيح البخاري، ج ۲، ص ۱۰۱؛ صحيح مسلم، ج ۸، ص ۱۶۴؛ سنن النسائي، ج ۴، ص ۱۱۰؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۱، ص ۱۸۰.

۲. برای این مضمون، بنگرید به: مسند أبي داود الطيالسي، ص ۲۰۳؛ مصنف عبد الرزاق، ج ۳، ص ۵۷۴؛ مصنف ابن أبي شيبة، ج ۳، ص ۲۲۱؛ مسند أحمد، ج ۵، ص ۳۶۰؛ صحيح مسلم، ج ۳، ص ۶۵؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۹۴؛ سنن أبي داود، ج ۲، ص ۸۷؛ سنن النسائي، ج ۴، ص ۹۴؛ سنن البيهقي، ج ۴، ص ۷۹؛ قرب الإسناد للحميري، ص ۱۲۲؛ الكافي للكليني، ج ۳، ص ۲۲۹؛ من لا يحضره الفقيه لابن بابويه، ج ۱، ص ۱۷۹.

۳. النمل / ۸۰

۴. النمل / ۸۱

۵. گفتار ۶۸، فقره ۵

تعليقات نقدها و بررسی‌های فرعی

تاریخ: ۱۳۹۵/۷/۳

نویسنده: رضا راضی

نقد فرعی ۱

علامه در جایی فرمودند که درخواست از مردگان جز بر سر مزارشان و جاهت ندارد. با این وصف بفرمایید سلام بر انبیاء و ائمه از راه دور و نه بر سر مزارشان چه حکمی پیدا می‌کند؟ شاید من جمله‌ی علامه را درست متوجه نشده باشم. اگر این طور است توضیح فرمایید.

تاریخ: ۱۳۹۵/۷/۸

پاسخ به نقد فرعی ۱

بنا بر نظر علامه منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی، عبارت مناسب برای سلام بر افراد غایب «سلام علی فلان» است، نه «سلام علیک یا فلان»؛ چنانکه خداوند به عنوان نمونه فرموده است: «سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ»^۱ و فرموده است: «سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيمَ»^۲ و فرموده است: «سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰی وَهَارُونَ»^۳ و فرموده است: «وَسَلَامٌ عَلٰیهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا»^۴ و فرموده است: «سَلَامٌ عَلٰی اِلٰ يٰسِينَ»^۵ و فرموده است: «وَسَلَامٌ عَلٰی الْمُرْسَلِينَ»^۶؛ چراکه طبیعتاً افراد غایب صدای متکلم را نمی‌شنوند و از پاسخ دادن به او ناتوان هستند و از این رو، عقلاً افراد غایب را مخاطب قرار نمی‌دهند و اسلام نیز دینی عقلایی است و از این رو، فرموده است: «وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ»^۷؛ «و هرگاه کسانی که به آیات ما ایمان دارند به نزد تو آمدند بگو سلام علیکم».

آری، مخاطب ساختن افراد غایب هرگاه به معنای مجازی و با علم و التفات به غایب بودن آنها باشد، نه به معنای حقیقی و با قصد شنوندن به آنها، اشکالی ندارد و در میان عقلا به عنوان یک صنعت ادبی معمول است و نمونه‌ی آن در اسلام نیز سلام نماز است که در آن خطاب به پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم گفته می‌شود: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

۱. الصّافات/ ۷۹

۲. الصّافات/ ۱۰۹

۳. الصّافات/ ۱۲۰

۴. مریم/ ۱۵

۵. الصّافات/ ۱۳۰

۶. الصّافات/ ۱۸۱

۷. الأنعام/ ۵۴

وَبَرَكَاتُهُ»، بلکه مخاطب ساختن جمادات نیز از باب استعاره و تمثیل و بدون قصد شنواندن به آن‌ها، جایز است؛ مانند مخاطب ساختن هلال ماه در دعای رسیده از پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم که در آن فرموده است: «رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ»؛ «پروردگار من و تو الله است»^۱ و مانند مخاطب ساختن زمین در دعای رسیده از آن حضرت که در آن فرموده است: «يَا أَرْضُ! رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنْ شَرِّكَ مِنْ شَرِّكَ مَا فِيكَ وَشَرِّ مَا خُلِقَ فِيكَ وَشَرِّ مَا دَبَّ عَلَيْكَ»؛ «ای زمین! پروردگار من و تو الله است، به الله پناه می‌برم از شرّ تو و شرّ چیزی که در توست و شرّ چیزی که در تو خلق شده است و شرّ چیزی که بر روی تو می‌جنبد»^۲ و مانند مخاطب ساختن دنیا در سخن رسیده از علی بن ابی طالب که در آن فرموده است: «يَا دُنْيَا! يَا دُنْيَا! إِلَيْكَ عَنِّي، أَبِي تَعَرَّضْتَ أُمَّ إِلَيَّ تَشَوَّقْتَ، لَا حَانَ حِينُكَ، هَيْهَاتَ، عَزِي غَيْرِي لَا حَاجَةَ لِي فِيكَ، قَدْ طَلَقْتُكَ ثَلَاثًا لَا رَجْعَةَ فِيهَا، فَعَيْشُكَ قَصِيرٌ وَخَطْرُكَ يَسِيرٌ وَأَمْلُكَ حَقِيرٌ، أَوْ مِنْ قَلَّةِ الزَّادِ، وَطُولِ الطَّرِيقِ، وَبُعْدِ السَّفَرِ، وَعَظِيمِ الْمَوَدِّ»؛ «ای دنیا! ای دنیا! از من فاصله بگیر، آیا به من متعرض شده‌ای یا به من مشتاق شده‌ای؟! زمان تو فرا نرسیده است، هیهات، جز من را فریب بده که من را در تو حاجتی نیست، سه بار تو را طلاق داده‌ام که در آن رجعتی وجود ندارد؛ چراکه زندگی تو کوتاه و ارزش تو اندک و آرزوی تو ناچیز است، آه از کمی توشه و درازی راه و دوری سفر و بزرگی مقصد»^۳ و مانند مخاطب ساختن ماه رمضان در سخن رسیده از زین العابدین علی بن الحسین که در آن فرموده است: «فَتَحْنُ قَائِلُونَ: السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا شَهْرَ اللَّهِ الْأَكْبَرَ وَيَا عِيدَ أَوْلِيَائِهِ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَكْرَمَ مَصْحُوبٍ مِنَ الْأَوْقَاتِ وَيَا خَيْرَ شَهْرٍ فِي الْأَيَّامِ وَالسَّاعَاتِ»^۴؛ «پس ما می‌گوییم: سلام بر تو ای بزرگ‌ترین ماه خدا و ای عید دوستان او، سلام بر تو ای بهترین همنشین از میان اوقات و ای بهترین ماه از میان روزها و ساعات»، در حالی که روشن است چنین اشیاء بی‌جانی به معنای حقیقی و با قصد شنواندن به آن‌ها خطاب نمی‌شوند؛ چنانکه خداوند درباره‌ی آن‌ها فرموده است: ﴿إِنْ تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ﴾^۵؛ «اگر آن‌ها را بخوانید خواندن شما را نمی‌شنوند و اگر (فرضاً) بشنوند پاسختان را نمی‌دهند» و با این وصف، خواندن آن‌ها به معنای حقیقی و با قصد شنواندن به آن‌ها وجهی ندارد و یک کار غیر عقلایی

۱. نگاه کنید به: مصنف ابن ابی شیبیه، ج ۷، ص ۱۲۱؛ مسند أحمد، ج ۱، ص ۱۶۲؛ سنن الدارمی، ج ۲، ص ۴؛ سنن الترمذی، ج ۵، ص ۱۶۷؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۴، ص ۲۸۵؛ الأمالی للطوسی، ص ۴۹۵.

۲. نگاه کنید به: مسند أحمد، ج ۲، ص ۱۳۲ و ج ۳، ص ۱۲۴؛ سنن ابی داود، ج ۱، ص ۵۸۶؛ السنن الکبری للنسائی، ج ۴، ص ۴۴۴؛ المستدرک علی الصحیحین للحاکم، ج ۱، ص ۴۴۷؛ السنن الکبری للبیهقی، ج ۵، ص ۲۵۳؛ مکارم الأخلاق للطبرسی، ص ۲۴۷.

۳. نگاه کنید به: نهج البلاغه للشریف الرضی [تحقیق صالح]، ص ۴۸۰؛ الإستیعاب فی معرفة الأصحاب لابن عبد البر، ج ۳، ص ۱۱۰۸؛ الریاض النضرة للمحب الطبری، ج ۳، ص ۱۳۵؛ تاریخ مدینة دمشق لابن عساکر، ج ۲۴، ص ۴۰۲؛ مروج الذهب للمسعودی، ج ۲، ص ۴۲۱؛ ربیع الأبرار للزمخشری، ج ۱، ص ۸۱.

۴. الصحیفة السجادیة، ص ۱۹۸.

۵. فاطر / ۱۴.

است، هر چند از باب «إِيَّاكَ أَغْنِي وَأَسْمِعِي يَا جَارَةٌ»؛ «به در می گویم تا دیوار بشنود» صنعتی ادبی محسوب می شود و اشکالی ندارد. خواندن افراد غایب نیز همین گونه است؛ به این معنا که اگر با اراده‌ی جدی و اعتقاد به شنیدن آن‌ها باشد، جایز نیست و اگر با زبان حال و بدون اعتقاد به شنیدن آن‌ها باشد، اشکالی ندارد، مگر اینکه درخواستی از آن‌ها و نه صرف مخاطب ساختن آن‌ها در سلام و کلام باشد که در این صورت ترک اولی محسوب می شود، یا باعث سوء برداشت یا سوء استفاده‌ی غالیان و نواصب باشد که در این صورت جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنًا وَقُولُوا انظُرْنَا وَاسْمَعُوا ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ»**^۱؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! نگویید: <راعنا> (چون دو معنا دارد و ممکن است باعث سوء برداشت یا سوء استفاده‌ی برخی شود) و بگویید <انظرنا> و گوش بسپارید و برای کافران عذابی دردناک است»؛ مانند مناجات با انبیاء و ائمه از راه دور و طلب حاجت از آنان در خلوت به نحوی که پنداشته شود آنان **«بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»** هستند و در هر جایی حضور دارند، در حالی که این ویژگی خداوند است؛ چنانکه فرموده است: **«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ مَا يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةٍ إِلَّا هُوَ سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَىٰ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ مَا كَانُوا ۗ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»**^۲؛ «آیا ندیدی که خداوند هر چه در آسمان‌ها و هر چه در زمین است را می داند؟ هیچ زمزمه‌ای میان سه نفر نیست مگر اینکه او چهارمین آنان است و نه میان پنج نفر مگر اینکه او ششمین آنان است و نه کمتر یا بیشتر از آن مگر اینکه او همراه آنان است هر جایی که باشند، سپس آنان را در روز قیامت از چیزی که انجام دادند آگاه می کند، هرآینه خداوند به هر چیزی داناست». روشن است که چنین علم و حضوری برای غیر خداوند ثابت، بلکه ممکن نیست و با این وصف، خواندن افراد غایب، اگر با اعتقاد به چنین علم و حضوری برای آن‌ها باشد، عین کاری است که مشرکان انجام می دهند و اگر بدون این اعتقاد باشد، شبیه کار آنان است و تبعاً هرگاه باعث اشتباه دیگران شود، جایز نیست؛ چنانکه خداوند فرموده است: **«ذَلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ ۗ يُضَاهِيُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ ۗ قَاتَلَهُمُ اللَّهُ ۗ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ»**^۳؛ «این سخن آنان با دهان‌هاشان است، شبیه سخن کسانی را می گویند که از پیش کافر شدند، خداوند آنان را بکشد، به کجا انحراف می یابند؟!».

خلاصه اینکه مخاطب ساختن حقیقی افراد غایب با نیت شنودن به آنان جایز نیست، ولی مخاطب ساختن مجازی آنان با نیت شنودن به خداوند یا افراد حاضر، اشکالی ندارد، مگر اینکه با درخواستی از آنان همراه باشد که در این صورت ترک اولی شمرده می شود، یا باعث

۱. البقرة / ۱۰۴

۲. المجادلة / ۷

۳.

اشتباه و سوء تفاهم مسلمانان شود که در این صورت جایز نیست.

تاریخ: ۱۳۹۷/۴/۱۴

نویسنده: صادق دهیار

نقد فرعی ۲

سلام و درود فراوان بر علامه منصور هاشمی خراسانی (نفسی وقاه) و یاران زحمتکش او؛ چطور می‌شود که مرده ادراکی از پیرامون خود داشته باشد؟ در صورتی که حضرت عزیر علیه السلام هنگامی که خداوند متعال بعد از صد سال او را زنده کرد نتوانست بفهمد که صد سال مرده بوده مگر با نگاه کردن به الاغ خویش. با تشکر از زحمات شما برادران عزیزم

تاریخ: ۱۳۹۷/۴/۱۸

پاسخ به نقد فرعی ۲

سخن خداوند حاکی از آن نیست که عزیر علیه السلام با نگاه کردن به الاغش فهمید که صد سال مرده، بل حاکی از این است که او به وسیله‌ی وحی از آن مطلع شد؛ چنانکه فرموده است: «قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ لَبِئْتُمْ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِئْتُمْ مِائَةَ عَامٍ»؛ «(خداوند) فرمود: چه مدت درنگ کردی؟ گفت: یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کردم، فرمود: بلکه صد سال درنگ کردی» و با این وصف، نگاه کردن او به الاغش تنها برای این بود که چگونگی زنده شدن مردگان را مشاهده کند؛ چنانکه فرموده است: «وَأَنْظُرُ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ آيَةً لِلنَّاسِ وَأَنْظُرُ إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِرُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا»؛ «و به الاغت نگاه کن، تا تو را آیتی برای مردم قرار دهیم و به استخوان‌ها نگاه کن که چگونه آن‌ها را بر می‌انگیزیم و سپس آن‌ها را گوشت می‌پوشانیم».

آری، سخن خداوند مشعر به آن است که عزیر علیه السلام از مرگ خود آگاهی نداشت و مانند اصحاب کهف گمان می‌کرد که یک روز یا بخشی از یک روز به خواب رفته، ولی این به معنای عدم ادراک او از دنیا و آخرت است؛ چراکه اگر دنیا را درک کرده بود، می‌دانست که چه مدت خوابیده و اگر آخرت را درک کرده بود، می‌دانست که خوابیده، بلکه مرده است و با این وصف، حالت او حالتی خاص و استثنایی بوده است که نمی‌توان آن را شاهی بر عدم ادراک مردگان از دنیا دانست؛ همان طور که نمی‌توان آن را شاهی بر عدم ادراک مردگان از آخرت دانست؛ با توجه به اینکه ادراک مردگان از آخرت مسلم است و از آیات و روایات متواتر دانسته می‌شود.

۱. البقرة / ۲۵۹

۲. البقرة / ۲۵۹

بنابراین، حق آن است که بگوییم: ادراک مردگان از دنیا ممکن است، همان طور که از آخرت حتمی است و این مقتضای اجساد بی جان و پوسیده‌ی آنان نیست تا غیر معقول باشد، بل مقتضای ارواح آنان است که زنده اند و به اقتضای صفای ملکوت، بهتر از اهل دنیا می‌بینند و می‌شنوند و با این وصف، بعید نیست که چیزهایی از دنیا را درک کنند که اهل دنیا درک نمی‌کنند؛ خصوصاً با توجه به اینکه ادراک آنان موقوف به دیدن و شنیدن نیست، بل می‌تواند اطلاع یافتن از طریق فرشتگانی باشد که می‌بینند و می‌شنوند و برای آنان خبر می‌آورند و هیچ نیرو و حرکتی جز به واسطه‌ی خداوند نیست.



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی
مجلس ائمه‌ی هدی علیه‌السلام



پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌هاشعی خراسانی حفظه‌الله‌تعالی



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.